

ما سال‌های سال است که با این شرایط تعلیق مواجیمم و دائم‌آ مردم را در حالت انتظار نگه داشته‌ایم که یا در داخل فلان اتفاق می‌افتد، مثلاً انتخابات برگزار می‌شود یا در زمینه مسائل خارجی فلان اتفاق می‌افتد! ان‌شالله رئیس‌جمهور فلان کشور می‌میرد یا عوض می‌شود، اینگونه که نمی‌شود همه‌اش مردم را در حالت تعلیق نگه داشت؛ این از هر شرایطی بدتر است. نه خارجی با همه امکاناتی که در کشور غنی ما وجود دارد حاضر می‌شود سرمایه‌گذاری کند؛ و نه مردم. چون می‌گویند که شما با این کارها ما را بازی می‌دهید. در حرف می‌گویید نظرات مردم و نظرات کارشناسی اما در عمل هر چه فکر می‌کنی صلاح است، انجام می‌دهی. در زمان جنگ ملت ایستادند یا از شهرها بیرون رفتند یا شعار دادند و... حالا می‌گویند چرا ما خودمان را تحریم کرده‌ایم؟ چرا خودمان را منزوی کرده‌ایم؟ چرا این اوها و این گرفتاری‌ها را ایجاد می‌کنیم و شعارها را اینگونه می‌دهیم که وضع‌مان این شود.

یکی از آشنایان بنده به بیماری صعب‌العالجی مبتلا شده و همه کسانی که در کشور دست‌اندرکار و آشنا بودند در تلاش بودند برای ایشان دو تا آمپول پیدا کنند. من در این مدت به این فکر می‌کردم بقیه مردم چه کار می‌کنند؟ آمپول را پیدا کردیم برای تهیه دو عدد آمپول مبلغ نود میلیون تومان هزینه کرد! کسی که بیست میلیون تومان حقوق می‌گیرد، اگر بیمار شود چه باید کند؟ جالب است این آمپول به سختی پیدا شد و دکتر آمد و گفت که این دارو ضعیف است و حالا دو سه هفته است دنبال می‌کنند ما نمی‌خواهیم آن را در بازار بفروشیم بلکه می‌خواهیم به بیمار نیازمند دیگری بدهیم و موضوع پولش نیست. می‌گویند این را به داروخانه بدهید داروخانه را می‌بندند. دارویی که مورد نیاز مردم است اما به طور رسمی وارد نمی‌شود و به شکل شخصی وارد می‌شود این وضعیت را دارد. شما بروید در این داروخانه‌های هلال احمر و... ببینید مردم چه می‌گویند؟ به رئیس‌جمهور و کل حکومت چه می‌گویند. واقعاً خجالت می‌کشیم ما که از ابتدا در این مجموعه بودیم روی این را ندراریم به مردم نگاه کنیم. مسئولین مدام می‌گویند مردم ایستادگی کردند خب شما چه کاری برای مردم انجام داده‌اید؟ آن صدواوسیمایتان است، آن سخنرانی‌هایتان است و... به هر حال باید جایی نقطه پایان برای یک سری از روش‌ها گذاشت. البته الان هم مردم پای کشور ایستاده‌اند اما می‌گویند این مجموعه ناتوان است و از بسیاری مسائل مانند انتخابات ناامید شده‌اند. این شرایط که تا هر چی فکر کنید صبر کردند. به خودش گفتیم ان‌شالله برای بجهت خوب می‌شود. الان آمده می‌گوید حداقل نوهام برود سر کار... کی؟ همان کسی که در جبهه بوده. همان کسی که همه بدنش سوخته است. شما توقع دارید در این شرایط چه اتفاقی بیفتد؟

**«راستاستی رفح همه مشکلاتی که شما به درستی به آن‌ها اشاره کردید، آقای پزشکیان تاکید بر اجرای عدالت در حوزه‌های آموزش، سلامت و اقتصاد دارند و اکنون نیز در راستای تحقق «عدالت اقتصادی» تصمیم به حذف ارز ترجیحی و انتقال سود حاصل از آن به انتهای زنجیره گرفتند، آیا این اقدامات می‌تواند راه رانت و فساد را ببندد و مشکلات اقتصادی را حل کند یا حداقل تا حدی مردم را راضی نگه دارد؟**

قطعا بستان راه رانت و فساد مربوط به ارز نمی‌شود و حوزه فروش نفت رانیز در برمی‌گردد و فرض بگیریم کار خوبی باشد. بر اساس آمار سی و نه‌جا چهل درصد مردم زیر خط فقر هستند، وقتی قرار است ماهی یک میلیون تومان به افرادی که زیر خط فقر هستند بدهیم و از آن طرف این افراد مجبور شوند که معاش خود را با قیمت ارز آزاد تامین کنند، این مبلغ یک میلیون تومان چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟ مردم دستشان در حساب و کتاب است. با یک شاهی صنایع کار اقتصاد و زندگی مردم حل نمی‌شود. دولت باید راه «فعالیت اقتصادی» را برای مردم باز کند. در این کشور قرار نیست همه مردم جیره‌خوار دولت شوند، پرداخت ماهانه یک میلیون تومان به هشتاد میلیون نفر برای شرایط بحرانی و جنگی است، مثلاً در جنگ تحمیلی ما کوبین توزیع می‌کردیم اما این روش‌ها تا کی باید ادامه یابد؟ مردم ایران توانمندی بالایی دارند و می‌توانند کارآفرینی و تولید کنند و با دنیا ارتباط داشته باشند. دولت و حاکمیت باید زمینه کار و فعالیت را برای آنها فراهم کند. قرار نیست مردم را جیره‌خوار دولت کنیم که هر ماه منتظر باشند این یک میلیون تومان واریز شود که بتوانند بروند تا بگیرند. من نمی‌گویم این کار بد است حتماً مسئولین برای این تصمیم مطالعه کرده‌اند و اقدام مقیدی نسبت به قبل است اگر موفق شوند. گاهی برخی دستگاه‌ها می‌گویند مثلاً در چه وسایل گرمایشی را دو درجه کم کنند یا برخی چراغ‌های خیابان‌ها باید خاموش شوند، اما آیا در سیستم اداری کشور این صرفه‌جویی‌ها انجام می‌شود؟ در نهاد ریاست‌جمهوری به چند نفر حقوق پرداخت می‌شود؟ و چقدر حقوق می‌گیرند؟ همه اینها لازم است و نمی‌شود صرفه‌جویی کرد؟ آقای رئیس‌جمهور بررسی کنید در زمان آقای هاشمی و آقای خاتمی (زمان ریاست‌جمهوری مقام رهبری که زمان جنگ بود) منظورم از بعد از جنگ تاکنون تعداد نفرت‌دستگاهی که شما در آن کار می‌کنید چقدر بود و اکنون چقدر است؟ آن زمان وضعیت آنها بهتر بود یا الان؟ آن همه آدم جمع شده که چی؟ یک شورای موهوم درست می‌کنیم هر روز یکی استعفا می‌دهد و به جایش دو نفر دیگر می‌گذاریم. می‌خواهید صرفه‌جویی کنید از نهاد ریاست‌جمهوری شروع کنید که هشت تا ده

هزار نیرو دارد و زمانی تعداد آنها پانصد نفر بود! هر وزارتخانه‌ای که بروید با همین مشکل مواجه است.

**«البته آقای پزشکیان راهبرد چابک‌سازی و کوچک‌سازی دولت رانیز دنبال می‌کنند.**

کو؟ کجا؟ چند سال دیگر. فردی گفت من فلان شده کی رساله بنویسم؟ گفت صبر کن همه مردن تورا ساله بنویس. یک و سال و نیم از زمان ریاست‌جمهوری آقای پزشکیان گذشته و هر روز به جای اینکه افراد کم‌شوند در حال اضافه شدن هستند هر روز یکی منصوب می‌شود. این برای چیست. یک روابط عمومی سه نفر آنجا باشند و خبری که شما می‌دهید را منتشر کنند. خبرگزاری و روزنامه ایران هم که مال خودتان است. این همه آدم برای چی آنجا جمع شدند. صرفه‌جویی فقط مربوط به امکاناتی نیست که برای این افراد در نظر گرفته می‌شود، همه این روابط همان می‌شود که می‌خواهی از آن فرار کنی. یعنی باعث فساد و ارتباط و سفارشات می‌شود. اینها را کم کنید. البته این مسئله صرفاً شامل نهاد ریاست‌جمهوری نمی‌شود و صدواوسیما راهم دربر می‌گیرد. آیا است و با چه تعداد نیرو اداره می‌شود و ضریب نفوذ صدواوسیما می‌شود؟ ما با هزاران نیرو و چقدر بودجه و چقدر امکانات چقدر است! اگر قرار است مسئولین از مردم بخواهند که صرفه‌جویی کنند باید ابتدا از خودشان شروع کنند. مثلاً رئیس‌جمهور به مردم بگوید ده نفر از کارکنان ریاست‌جمهوری را به علت عدم کارآمدی کنار گذاشته است. یک روز در بهشت زهرا سسر خاک یکی از نزدیکانم بودند گفتند که هیئت دولت می‌خواهد به بهشت زهرا بیاید. من حساب کردم که برای فاتحه خواندن رئیس‌جمهور حق ماموریتی که داده می‌شود چند میلیارد می‌شود. چندین ماشین و چند صد نفر در این حضور رئیس‌جمهور آنجا بودند. کسی با شما کاری ندارد. خدا بیمارزد یکی از استانداران را به اتاقش رفتم و دیدم نیستش. گفتم کجاست؟ پاسخ دادند که قرار است فردا معاون اول رئیس‌جمهوری بیاید و باید حفاظت اینجا رعایت شود. استاندار با رنگ پریده آمد پرسیدم چه شده؟ گفت گفتند که معاون اول که می‌خواهد بیاید پروازهای عبوری بین المللی باید قطع شود. دو تا بیمارستان تعطیل باشد و چندتا آمبولانس و... در خدمت باشد. یکی از رفقای اصفهانی که آنجا بود گفت که فلانی را اگر سبیل هم بگذارند کسی به او شلیک نمی‌کند. نمی‌شود که پروازهای بین‌المللی را کنسل کرد که یک نفر ۴ ساعت بیاید و بنشیند و برود. بعد هم اگر بخواهد اتفاق بیفتد، می‌افتد. مثلاً همان که برای رئیس‌دولت قبل اتفاق افتاد و آخرش هم نمی‌فهمیم چه شد؛ یکی می‌گوید ترور کردند و یکی می‌گوید هوا بد بود. وقتی ما به هم می‌پیچیم یعنی اینقدر اگر اندیس‌مان می‌کنیم. اینقدر بعضی چیزها را مقدس می‌کنیم و اینقدر بعضی چیزها را پیچیده می‌کنیم. وضعیت این می‌شود. اینکه کالابریک بدهند خیلی خوب است اما دردی از مردم دوا نمی‌کند. اگر واقعاً ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند آقای رئیس‌جمهور بروند خدمت رهبری و این مسئله را حل کنند. بنیاد مستضعفان قرار بود زندگی فقرا را تامین کند این همه دار و دسته و تشکیلات و اداره دارد اینها را بین مردم تقسیم کنید. مگر نمی‌گویند حضرت علی همه بیت‌المال را تقسیم کرد و دو رکعت نماز خواند و گفت خدایا شاهد باش که من همه را داده‌ام صاحبانش.

ما از ابتدای انقلاب تاکنون مدام این نهادهای تشکیلات آن‌ها را اضافه کردیم. قرار بود اینها را بدهیم برای زندگی مردم در این شرایط. یکی امسال مصادره شده است و دیگری بنیاد است. اگر چهل میلیون نفر زیر خط فقر هستند باید اینها را به مردم منتقل کنیم. وقتی کارها حالت نمایشی پیدا می‌کند، مردم خوب می‌فهمند و به تدریج اعتماد مردم از بین می‌رود. حالایک عده خوددارند و یک عده ملاحظه می‌کنند و عده‌ای اصلاً خالشان را اندازند. این رایگویی این که الان عده‌ای تحمل می‌کنند به خاطر این است که دوره‌ای که ما انقلاب کردیم، انقلاب در جهان مُد بود و یعنی تحت تاثیر چریک‌بازی چگوارا و کاسترو بگیرد تا پاسر عرفات و قهرمانان فلسطین و آمریکایی‌ها و در نقاط مختلف جهان انقلاب می‌کردند و عده‌ای نیز در ایران فدایی و مجاهد و... شده بودند و دست به ترور می‌زدند. اما الان در دنیا این نوع انقلابی‌گری و چریک‌بازی دمه شده است و مردم فهمیده‌اند باید دنبال زندگی باشند.

در کشور ما بسیاری از افراد نسل جدید یا Z دیگر به این صحنه‌ها نمی‌آیند که اگر اینها به صحنه بیایند گرفتاری خیلی زیاد می‌شود. اینها به این سمت نمی‌آیند چون می‌خواهند از سیاست و... خودشان را جدا کنند. فضای دیگری به لحاظ فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی مذهبی برای خودشان درست کرده‌اند. این نسل‌هنگامی که محرم و صفر می‌شود به مراسم عزاداری می‌روند اما به این نتیجه رسیده‌اند که حساب‌شان را جدا کنند و مخالفت هم نمی‌کنند. می‌بینیم نه در انتخابات شرکت می‌کنند، نه در فضاهای ما می‌آیند. مگر مثلاً در کافه‌ای، محفلی،

جایی گیر بدهند که آنها شاک می‌شوند و واکنش نشان دهند و اگر نه اینها خیلی سکوت می‌کنند اما سکوت آنها دال بر رضایت نیست. می‌گویند اینها دوره‌شان تمام می‌شود و مگر قرار است اینها چقدر باشند بعدش ما می‌مانیم و کشورمان.

**«آقای کرباسچی، تاکنون در باره مباحث و شیوه‌های مدیریتی و اداره کشور صحبت کرده‌ایم. در آستانه سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفنسنجایی هستیم؛ شخصیتی که در سطوح مختلف مدیریتی کشور نقش داشتند و شما نیز در دوره ایشان مسئولیت‌های اجرایی مهمی بر عهده داشتید، می‌خواهیم درباره شیوه‌های مدیریتی و مشی‌اعتمادی ایشان و این‌که امروز چگونه می‌توان از آن تجربیات بهره گرفت، گفت‌وگو کنیم.**

واقعیت این است که امروز شرایط به گونه‌ای شده که اگر کسی بخواهد از آقای هاشمی هم نام ببرد، برخی می‌گویند آقای هاشمی هم بالاخره بخشی از این مجموعه بوده یا مثلاً چه میزان در وضعیت موجود نقش داشته است و گاهی آدم به این موضوع هم فکر می‌کند اما واقعاً آقای هاشمی شخصیت متفاوتی بود. آقای هاشمی روی زمین زندگی می‌کرد و واقعیت‌های جامعه، واقعیت‌های کشور، توانمندی‌ها و نقاط ضعف کشور را همانگونه که بود، می‌دید. من در طول حدود ده سال، شامل هشت سال دوره شهرداری و پیش از آن در دوره استانداری، آقای هاشمی را واقع‌گراترین فرد در عرصه انقلاب و مدیریت کشور می‌دانستم. ایشان هیچ‌گاه دچار موهومات نمی‌شد. سیاست آقای هاشمی واقعاً سیاسی‌ت واقع‌گرایانه بود. نمونه بسیار بارز آن، مسئله قطعنامه است؛ جایی که وقتی دید می‌توان جنگید، ایستاد و فرماندهی کرد و به جبهه رفت. ایشان بارها به اصفهان آمد و از همان‌جا با لباس میدل راهی جبهه می‌شد، شب‌ها به‌صورت مخفیانه در اصفهان می‌ماند اما زمانی که به این نتیجه رسید که ادامه این مسیر به‌منزله مشقت کوبیدن بر سندان را دیوار است، ایستاد و تصمیم گرفت و حتی به قیمت آنکه بگویند وی اعدام شود، این مسئولیت را پذیرفت و هیچ‌کسی در حال حاضر نیست که این از خودگذشتگی‌ای را انجام دهد. زمانی به آقای پزشکیان پیغام دادم که برو و بشین و قانع کن شرایط کشور چگونه است و چه بحران‌هایی ممکن است رخ دهد، این مسئله روابط خارجی باید حل شود. آقای هاشمی رفت و روبروی امام نشست و با وجود آن کار بزرگ و اطاعتی که همه نسبت به امام داشتند، ایشان را قانع کرد که قطعنامه پذیرفته نشود. برای اینکه آقای هاشمی در اوهم زندگی نمی‌کرد حتی وقتی می‌خواست با دشمنان و مخالفانش برخورد کند نیز چنین رویکردی داشت. در زمان حضور آقای هاشمی، مخالفت‌های جدی با ایشان وجود داشت، اما وی در بسیاری از موارد با مخالفانش با سعه‌صدر برخورد می‌کرد. البته در برخی مقاطع نیز فضاسازی‌ها و برخوردهایی صورت می‌گرفت و من قصد تطهیر یا تقدیس کامل ندارم اما ایشان همواره تأکید می‌کرد که بالاخره باید روابط ما با دنیا حل‌وفصل شود؛ این‌تکه تک‌کلام همیشگی ایشان بود. شما می‌دانید روابط آقای هاشمی با کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، چگونه بود. سفر ایشان به عربستان سعودی واقعاً بی‌نظیر بود و هیچ‌گاه روابط ما به سطح و کیفیت دورای که ملک عبدالله با آقای هاشمی داشت، بازنگشت؛ درحالی‌که آن روابط می‌توانست هم برای ما و هم برای مهار تندروی‌ها در منطقه بسیار مؤثر باشد.

به یاد می‌آورید سفر ما به بحرین در زمان آقای هاشمی و استقبال گسترده‌ای که از ایشان شده، همان بحرینی که بعدها مدتی با آن دچار مشکل شدیم. به نظر من، آقای هاشمی انسانی واقع‌گرا بود و واقعاً به دنبال این بود که مسائل کشور را از طریق ارتباط با دنیا حل کند و رشد اقتصادی را رقم بزند. نتایج این رویکرد را نیز دیدیم؛ به‌طوری‌که ثمره فعالیت‌های هشت ساله ایشان در دوره آقای خاتمی به بهترین دوره مدیریتی کشور هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاست خارجی منجر شد. اگر بخواهیم از منظر فرهنگی و دینی هم نگاه کنیم، کافی است خطبه‌ها و نماز جمعه‌های آقای هاشمی را با دوره‌های بعد مقایسه کنیم. ببینید ایشان با آن زبان، بیان، واقع‌گرایی و سخن صادقانه‌ای که با مردم داشت، چه ضریب نفوذی پیدا کرده بود و چه تعداد از مردم در نمازجمعه‌ها حضور می‌یافتند. حالا وضعیت نمازجمعه‌های امروز را ببینید! اساساً قابل مقایسه نیست، حتی اگر بخواهیم از منظر گرایش به تشیع، اسلام و دین به موضوع نگاه کنیم. آمارهایی که امروز منتشر می‌شود، واقعاً جای تأمل دارد. نمی‌دانم در این شرایط چگونه می‌توان این مسائل را حل کرد، اما حتی شاخص‌های ساده نیز گویای واقعیت هستند. جامعه‌شناسان می‌گویند اصلاً نیاز به نظرسنجی نیست؛ کافی است بررسی کنیم که مردم در دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی تا چه اندازه نام‌های مذهبی برای فرزندان‌شان انتخاب کرده‌اند.

در اوایل انقلاب، به‌عنوان مثال، در میان پنجاه نام نخست‌نوزادان، حدود نود درصد نام‌های مذهبی بود، اما به‌تدریج این رقم کاهش یافته و بر اساس آخرین آمار ارائه‌شده، به حدود ۱۶ درصد رسیده است. این بدان معناست که حتی خانواده‌های مذهبی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که در آینده، این‌ها شاید دیگر آن کار کرد و مقبولیت گذشته را نداشته باشند. این موضوع بسیار نگران‌کننده است و نشان می‌دهد اعتقادات دینی مردم، به‌ویژه جوانان، تا چه اندازه سست شده است. البته بخشی از جامعه همچنان پایبند به اسلام سنتی خود هستند که ما منکر آن نیستیم و این پایبندی نیز قابل احترام است. اما همین تغییر انگیزه و نگرش نسبت به آینده، برخلاف سال‌های ابتدایی انقلاب، معنادار است. به‌عنوان مثال، من در اوایل انقلاب نام دخترم را هاجر گذاشتم؛ در آن زمان همه اطرافیان ما نیز همین نام‌ها را برای فرزندان‌شان انتخاب می‌کردند. این نشانه‌ها اگر با نگاه واقع‌بینانه و روی زمین دیده شود، بسیاری از حرف‌ها و سیاست‌ها تغییر خواهد کرد. آقای هاشمی دقیقاً چنین نگاهی داشت؛ روی زمین زندگی می‌کرد و به نظر من، نقطه قوت اصلی او در مدیریت و تفکر همین بود که هیچ‌گاه سخن غیرواقعی و معقل در هوانمی‌گفت.



**دولت ورود نکند، مجلس به وظیفه خود عمل می‌کند**

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در جلسه علنی روز گذشته در پاسخ به تذکر حمید رسایی درباره اعلام وصول شدن تقاضای استیضاح برخی از وزرا، گفت: «بارها به دوستان با اشاره گفتم و در جلسه غیرعلنی هم مطرح کردم که اگر دولت در بحث اصلاح و ترمیم کابینه تصمیم‌گیری کند، به مراتب بهتر، اثرگذارتر و کارآمدتر است.» وی افزود: «مجلس در این زمینه‌ها درایت، پختگی و در برخی موارد با گذشت عمل کرده است. وقتی وزیر استیضاح می‌شود، رئیس‌جمهور از آن تاریخ سه ماه فرصت دارد تا جایگزین را به مجلس معرفی کند و در این شرایط ۹۰ روز وزارتخانه بدون وزیر می‌ماند. اما اگر دولت خودش تصمیم به ترمیم کابینه بگیرد، ظرف یک هفته وزیر پیشنهاده‌ای معرفی می‌کند و مجلس نیز ظرف یک هفته تا ۱۰ روز بررسی‌های لازم را انجام می‌دهد.»



**پرونده استیضاح‌ها باید بسته شود**

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در گفت‌وگو با ایلنا درباره مطرح شدن بحث استیضاح برخی از وزرا از سوی مجلس گفت: «مجلس که از حق و حقوق خود بر خوردار است، این اختیار را دارد که تذکر دهد، سؤال کند و تحقص انجام دهد و استیضاح داشته باشد.» رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت خاطر نشان کرد: «مجلس چهار ابزار قانونی در جهت ایفای نقش خودش اختیار دارد. نمایندگان حق دارند هر زمان که لازم بدانند، تذکر دهند، سؤال کنند و وزرا و مسئولین اجرایی پرسش داشته باشند. آن‌ها هر زمان تشخیص دهند می‌توانند در ابعاد مختلف و در تمامی ارکان کشور تحقیق و تحقص انجام دهند و وزرا را استیضاح کنند.» وی ادامه داد: «به نظر من باید پرونده استیضاح‌ها بسته شود؛ چه از طریق انجام آن، چه با اتمام آن، زیرا باقی ماندن بین زمین و آسمان آن‌ها خوب نیست.» رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در پاسخ به اینکه گفته می‌شود: دولت و مجلس به این توافق رسیده‌اند برخی از وزرا خودشان از کابینه کناره‌گیری کنند، گفت: «خیر؛ دولت چنین چیزی را توافق نکرده است.»

**ادامه سر مقاله**

اتفاقی که با افزایش شدید نرخ ارز و اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی که تورم را افزایش می‌داد، بهانه جرقه خورده اعتراضات را فراهم کرد. (البته اینکه تا چه حد آغاز اعتراضات، اصیل و خودجوش بوده یا خیر، محل بحث و تأمل دارد) هرچه بود، اعتراضات شکل گرفت و خیلی زود نیز به دلایل مختلف اجتماعی، امنیتی و سیاسی (که جای بحث مستقل دارد)، به خشونت و دو جانبه کشیده شد. این فضای آمیخته به خشونت و بی‌ثباتی، اگر برای شهروندان و حتی کلیت حکومت خسارت‌بار بود و چاهی بی‌اب می‌نمود، اما برای راست افراطی تنوری بود که نان خود را بجایبندند. این جریان، همان‌طور که حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸ و اعتراضات و ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ را فرصتی برای امنیتی کردن فضای سیاسی و اجتماعی و تغییر روند تحولات به سمت یکدست‌سازی مطلوب و ایده‌آل خود می‌دانست؛ ناآرامی‌های اخیر رانیز فرصتی جدید می‌بیند تا بر کلیت ارکان قدرت مسلط‌شود و سیاست‌های یکدست‌سازی و انسدادی خود را به‌ویژه در حوزه رسانه، اینترنت و تشکل‌های سیاسی به شکلی جدی‌تر و گسترده‌تر از قبل، از سر گیرد و حتی با تشدید حملات خود به رئیس‌جمهور و دولت چهاردهم، در جهت سقوط کابینه و تسخیر مجدد آن گام بردارد. طبیعی است که راست افراطی و نیروهای طرفدار خالص‌سازی و یکدست‌سازی چنین رویکردی داشته باشند، اما از تصمیم‌گیرندگان اصلی کشور انتظار می‌رود برخلاف مقاطع پس از اعتراضات پیشین، خواسته یا ناخواسته با این طیف همراهی نکنند و جاده‌صاف‌کن پیشبرد سیاست «النصر بالرب» و تشدید مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی کشور نشوند.

